

متن پیاده سازی شده جلسه سی و ششم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 13 آذر 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الامام ابو جعفر محمد بن علی بن الجواد علیه السلام : المؤمن يحتاج الى توفيق من الله و واعظ من نفسه و قبول ممن ينصحه

ما از امام جواد علیه السلام احادیث زیادی نداریم ؛ این حدیث را از حضرت اکثراً شنیده اید حضرت می فرماید مومن به سه چیز نیازمند است.

1: توفیق از ناحیه خدا

2: واعظی از درون خودش (رابطه انسان با خود)

3: قبول نصیحت از ناصحان

شاید سومین عنصر بیشترین بحث را داشته باشد و گاه سوال می شود چه کنیم به ویژگی سوم دست پیدا کنیم به نظر می رسد تفکر و مراقبه در این زمینه موثر است.

دیروز اشکالی وارد شد که اگر آیه دلالت کند بر قبول خبر عادل ، لازم می آید در مورد خودش به کار نیاید ؛ مرحوم شیخ پاسخ دادند مراد از واحد غیر متواتر است و شامل خبر سه نفر و چهار نفر می شود.

ببینید آیه نبا طریق استدلالش یک بار به وسیله مفهوم شرط است (آنچه که ما تا به الان مطرح کردیم) یک بار هم به مفهوم

وصف است؛ آیا می شود از طریق مفهوم وصف به این آیه تمسک کرد؛ در این صورت باید یک موصوف تصور کنیم و یک

وصف ... مثلاً وقتی می گویی اکرم العالم العادل یعنی فاسق را اکرام نکن ... در ما نحن فیه هم می شود الجائی الفاسق تبیین در خبرش لازم است مفهومش این است که اگر شخصی غیر فاسق خبر آورد تبیین لازم نیست.

در اینجا موجی از اشکال وارد شده است؛ مثلاً گفته شده وصف مفهوم ندارد یا گفته شده وصفی مفهوم دارد که معتمد بر

موصوف باشد مثل گفته شود اکرم العالم العادل ... اما اگر وصف خودش موضوع باشد مثل اکرم العادل اگر وصف منتفی

شود موضوعی نمی ماند در این صورت این مفهوم ندارد؛ در ما نحن فیه هم می فرماید ان جائکم فاسق ... نمی گوید شخص

فاسق و لذا وصف معتمد بر موصوف نیست و لذا مفهوم ندارد.

اشکال سوم: کلامی است از مرحوم آقای خویی : ایشان می فرماید تمسک به آیه از طریق مفهوم وصف اشکالش این است که

درست است که مفهوم دارد و دلالت بر الانتفا عند الانتفا می کند ولی این منافات ندارد که در خبر غیر فاسق هم به جهات دیگر

تبیین لازم باشد.

استاد: این حرف خوبی است اما تعجب این است که انتفا شخص حکم در صورتی که موضوع منتفی بشود محل بحث نیست

بلکه مراد از مفهوم این است که وقتی قانون گذار حکمی را روی شرطی یا صفتی برد دیگر از سنخ و جنس این حکم دیگر نتواند

در غیر این مورد بیاورد که اگر در غیر این مورد آورد بگوییم شما تناقض گویی می کنی ؛ مثلاً اگر شارع گفت اگر ظهار کردی

کفارہ بده ... مفهوم این است که کفارہ منحصر در ظهار است و لذا اگر هزار کار دیگری هم بکنی کفارہ لازم نیست و لذا اگر

در خطاب دیگری شارع بگوید اگر افطار کردی کفارہ بده در این صورت بین مفهوم خطاب قبل و این منطوق تعارض ایجاد می

شود.

استاد: اصلاً مفهوم پایگاه قوی ندارد و لذا گفتیم که شرط هم مفهوم ندارد ؛ اگر شارع بگوید ان جائک زید فاکرمه ... فردا بگوید

ان سلم زید فاکرمه ... هیچ اشکالی ندارد اما اگر قائل به مفهوم باشیم مفهومی یکی با منطوق دیگری تعارض پیدا می کند.

بله شارع نمی تواند بگوید ان سافرت فقصر ... فردا بگوید ان لم تسافر فقصر شرط در این حد مفهوم دارد نه بیشتر و لذا طبق مبنای ما هیچ گاه تعارض بین منطوق و مفهوم پیش نمی آید.

فعلاً بحث آیه نبا را می بندیم و در مرحله تحقیق انشالله اشاره ای خواهیم داشت.

برخی بزرگان یک اشکالی را مطرح کرده اند و برخی دیگر مثل مرحوم صدر این اشکال را مفصل مطرح کرده اند و آن اشکال این است: آیه نبا بنا بر فرضی که دلالت بر خبر واحد بکند آیا اخبار با واسطه را هم شامل می شود یا فقط بی واسطه (مثلا زراره از امام علیه السلام بشنود و به من نقل کند) را شامل می شود؟ اگر فقط اخبار بی واسطه را بگیرد به درد ما نخواهد خورد چون اخبار ما از ائمه علیهم السلام همه با واسطه هستند.

نکته: این اشکال در آیات و روایات قابل طرح است.

و الحمد لله رب العالمین